

Political Connection, Corporate Governance and Tax Aggressiveness

Mohammad Kashanipour (Ph.D)*

Omid Faraji (Ph.D)**

Parisa Borji***

Abstract

Objective: The purpose of this study was to examine the impact of political connection and some key corporate governance proxies, such as independence of the board of directors, institutional shareholders ownership on tax aggressiveness, and the impact of these proxies on the relationship between political connection and tax aggressiveness.

Method: The panel data model was used to test and analyze the research hypotheses, and tax aggressiveness was measured by the difference between temporary and permanent book taxes. After applying some restrictions, 121 companies listed in the Tehran Stock Exchange were selected as the sample of the research in 2012-2017.

Results: The findings of this study indicated that having a political connection with the government has positive and significant effects on tax aggressiveness, and that the existence of independent board of directors and the amount of institutional shareholders in the company have negative and significant effects on tax aggressiveness. Also, the findings showed that the independence of the board of directors and institutional shareholders reduce the positive relationship between political connection and tax aggressiveness.

Conclusion: It can be concluded that because of the advantages of having relationship with government, companies that have political connection with the government have a high level of tax aggressiveness that can be reduced by using corporate governance mechanisms such as independence of the board of directors and presence of institutional shareholders. These mechanisms may reduce the positive impact of political connection on tax aggressiveness.

Keywords: *Political Connection, Board Independence, Tax Aggressiveness, Corporate Governance, Institutional Shareholder.*

Citation: Kashanipour, M., Faraji, O., Borji, P. (2019). Political connection, corporate governance and tax aggressiveness. *Journal of Accounting Knowledge*, 10(4), 143-175.

* Associate Professor of Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.

** Assistant Professor of Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.

*** M.A. of Accounting, College of Farabi, University of Tehran, Qom, Iran.

Corresponding Author: Mohammad Kashanipour (E-mail: Kashanipour@ut.ac.ir)

Submitted: 24 November 2018

Accepted: 4 August 2019

DOI: 10.22103/jak.2019.13068.2851



انجمن حسابداری ایران

دانشکده مدیریت و اقتصاد دانشگاه شهید باهنر کرمان

مجله دانش حسابداری

دوره دهم، شماره ۴

زمستان ۱۳۹۸، پیاپی ۳۹

صص. ۱۴۳ تا ۱۷۵

ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی

دکتر محمد کاشانی پور*

دکتر امید فرجی**

پریسا برجی***

چکیده

هدف: این پژوهش با هدف بررسی تأثیر ارتباط سیاسی و برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی از جمله استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی بر تهور مالیاتی و همچنین، بررسی تأثیر این معیارها بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی به اجرا درآمده است.

روش: برای آزمون فرضیه های پژوهش از الگوی داده های ترکیبی و برای اندازه گیری متغیر تهور مالیاتی از تفاوت مالیات دفتری استفاده شده است. نمونه آماری این پژوهش، پس از اعمال برخی محدودیت ها شامل ۱۲۱ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. یافته ها: یافته های پژوهش حاکی از آن است که برقراری ارتباط سیاسی با دولت تأثیر مثبت و معنادار و وجود اعضاء هیئت مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، تأثیر منفی و معنادار بر تهور مالیاتی دارند. همچنین اعضاء

* دانشیار گروه حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

** استادیار گروه حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

*** کارشناسی ارشد گروه حسابداری، پردیس فارابی دانشگاه تهران، قم، ایران.

نویسنده مسئول مقاله: محمد کاشانی پور (رایانامه: kashanipour@ut.ac.ir)

تاریخ پذیرش: ۹۸/۵/۱۳

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۳

هیئت مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی، رابطه مثبت بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را کاهش می‌دهند. نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان دریافت که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت به دلیل برخورداری از مزایا و امتیازات دولتی، میزان تهور مالیاتی بیشتری دارند که با استفاده از سازوکارهای راهبری شرکتی مانند وجود اعضاء هیئت‌مدیره مستقل و میزان مالکیت سهامداران نهادی می‌توان میزان تهور مالیاتی را کاهش داد و از تأثیر مثبت ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی کاست.

واژه‌های کلیدی: ارتباط سیاسی، استقلال هیئت‌مدیره، تهور مالیاتی، راهبری شرکتی، سهامدار نهادی.

استناد: کاشانی‌پور، محمد؛ فرجی، امید؛ برجی، پریسا. (۱۳۹۸). ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی. *دانش حسابداری*، ۱۰(۴)، ۱۷۵-۱۴۳.

مقدمه

اغلب شرکت‌ها مالیات را از عمده‌ترین عوامل خروج وجه نقد و تهدیدی برای تدام فعالیت قلمداد می‌کنند (کمالی منفرد و علی‌احمدی، ۱۳۹۶؛ ۱۳۷). از این‌رو، به طور طبیعی این انگیزه وجود دارد تا آنها اقداماتی را در جهت راهبرد مالیاتی متهورانه انجام دهند (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۶). برای نمونه شرکت انرون به واسطه رویکرد متهورانه مالیاتی، سودهایی را به‌دست آورد که الزاماً نشانگر مزایای واقعی نبودند (چن^۱ و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین افزایش میانگین نرخ ارز در بازار تهران در سال ۱۳۹۰ نسبت به سال قبل موجب شد تا مدیران با استفاده از ارقام تعهدی اختیاری و فعالیت‌های مالیاتی متهورانه اقدام به کاهش مالیات پرداختی خود کنند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). چنانچه برای پیشگیری از فعالیت‌هایی که منجر به عدم پرداخت مالیات می‌شود، اقدامی صورت نگیرد، ممکن است افراد دیگر نیز به منظور افزایش توان مالی خود به این کار ترغیب شوند (خواجوی و کیامهر، ۱۳۹۵). از این‌رو، ضروری است تا عوامل مؤثر بر تهور مالیاتی^۲ مورد بررسی قرار گیرد.

تهور مالیاتی به دامنه محدودتری از رفتارهای اجتناب مالیاتی اشاره دارد که به طور خاص متهورانه باشد. در واقع حمایت ضعیف تر قانونی از وضعیت مالیاتی شرکت، به طور منطقی نشان دهنده تهور مالیاتی آن شرکت است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵). سیاست های متهورانه مالیاتی اغلب مدیریت کاهشی سود مشمول مالیات از طریق فعالیت ها و اقدامات برنامه ریزی مالیاتی است که می تواند قانونی یا غیرقانونی باشد (عبدلی و حق نیاز، ۱۳۹۴). پیچیدگی و ابهام فعالیت های تهور مالیاتی به دلیل کاهش شفافیت گزارشگری مالی فرصت های مناسبی برای سودجویی مدیران ایجاد می کند (بهارمقدم و امینی نیا، ۱۳۹۳) و سبب ایجاد مسئله نمایندگی می شود (عبدالوهاب^۳ و همکاران، ۲۰۱۷). عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مقامات مالیاتی نیز باعث ایجاد هزینه های نمایندگی بسیار زیادی می شود (ریگان کوبا و جربویی^۴، ۲۰۱۷) که این هزینه ها برای شرکت های دارای ارتباط سیاسی با دولت بالاتر است (خان^۵ و همکاران، ۲۰۱۶)؛ زیرا شرکت ها با برقراری ارتباط نزدیک با دولت از منافع مانند امتیاز دسترسی به بازار، تخفیف های مالیاتی، یارانه های دولتی و ... برخوردار خواهند شد (آنینگ سجاتی^۶، ۲۰۰۹). در کشور ایران، روابط سیاسی دارای ابعاد پررنگی است. سیاسی بودن مدیران و مالکان عمده شرکت ها به دلیل دولتی بودن شرکت ها و صنایع بزرگ بر اقتصاد و نیز نظام اقتصادی حاکم بر کشور یعنی اقتصاد دولتی تأثیرگذار است (نیکومرام و همکاران، ۱۳۹۲)؛ در نتیجه، این روابط سیاسی پررنگ در کشور ایران می تواند میزان تهور مالیاتی را افزایش دهد.

سازوکارهای راهبری شرکتی بر شکل دهی و نظارت بر رفتار مالیاتی مدیران مؤثر هستند. آریف و هاشیم^۷ (۲۰۱۴) در رابطه با نقش سازوکارهای راهبری شرکتی بر مدیریت مالیات دو دیدگاه را مطرح می کنند. از دیدگاه اول، برنامه ریزی مالیات می تواند فعالیتی ارزش آفرین تلقی شود که سبب کاهش مالیات و بهبود عملکرد نهایی شرکت می شود. زیرا مدیریت مالیات، در نهایت سود خالص شرکت را افزایش داده و منجر به کاهش جریان های نقدی خروجی ناشی از مالیات می شود که این امر خود می تواند افزایش ارزش

شرکت را در پی داشته باشد (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲). بنابراین، شرکت‌ها با ساختار راهبری شرکتی متفاوت ممکن است که انواع مختلفی از مدیریت مالیات از جمله تهور مالیاتی را دنبال کنند و از دیدگاه دوم، راهبری شرکتی سبب می‌شود تا شرکت مسئولیت خود را به درستی انجام داده و مالیات خود را به طور کامل پرداخت کند (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷؛ آریف و هاشیم، ۲۰۱۴). علاوه بر این، در ارتباط با تأثیر راهبری شرکتی بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی نیز دو دیدگاه قابلیت جایگزینی و مکمل وجود دارد که بر اساس دیدگاه قابلیت جایگزینی، راهبری شرکتی قادر به کاهش نقش ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی نیست ولی بر اساس دیدگاه مکمل، راهبری شرکتی می‌تواند هزینه‌های نمایندگی که از ارتباط سیاسی ناشی می‌شود را کاهش و سپس تهور مالیاتی را کاهش دهد (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷). در ارتباط با تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر تهور مالیاتی پژوهش‌های اندکی صورت گرفته است؛ زیرا با توجه به ماهیت پیچیده آن، شناسایی تأثیر ساختار راهبری شرکتی بر تهور مالیاتی شرکت‌ها به نظر می‌رسد که به یک حوزه پژوهشی چالش برانگیز تبدیل شده است (هالیوی^۱ و همکاران، ۲۰۱۶).

از آنجایی که درک تمایز بین فعالیت‌های مالیاتی برای دولت‌مردان و جامعه، اهمیت ویژه‌ای دارد و به منظور درک صحیح رفتارهای مالیاتی، آگاهی کامل از ماهیت و ظاهر رفتارهای مالیاتی ضرورتی انکارناپذیر است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵)؛ لذا، هدف از پژوهش حاضر، بررسی تأثیر ارتباط سیاسی و برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی از جمله استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی بر تهور مالیاتی و همچنین بررسی تأثیر این معیارها بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی است که کمبود شواهد تجربی در این رابطه فرصت مناسبی برای گسترش ادبیات موجود فراهم می‌آورد و از جمله دستاوردهای مهم این پژوهش محسوب می‌شود. دلیل استفاده از دو معیار فوق از معیارهای راهبری شرکتی این است که در پژوهش‌های متعدد داخلی به‌عنوان دو عامل مؤثر بر

مالیات مورد تأکید قرار گرفتند. در ادامه، پس از ارائه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌ها ارائه می‌شوند و سپس به روش‌شناسی پژوهش، نتایج حاصل از آزمون‌های آماری و نتیجه‌گیری پرداخته می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش تهور مالیاتی

سیاست‌های متهورانه مالیاتی از اواخر سال ۱۹۹۰ تا اوایل سال ۲۰۰۰ به منظور تحریف در گزارشگری مالی شرکت‌ها به وجود آمده است که نتایج پژوهش‌های تجربی نیز این موضوع را اثبات می‌کند (لینوکس^۹ و همکاران، ۲۰۱۳). تهور مالیاتی به حالتی اطلاق می‌شود که در آن شرکت با ممیزان مالیاتی به چالش می‌افتد و ممیز مالیاتی، مالیات ابرازی شرکت را تأیید نمی‌کند که این مفهوم به استفاده از ابهامات قانون برای کاهش مالیات پرداختی اشاره دارد (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵). در واقع، شرکت‌هایی متهور پنداشته می‌شوند که مالیات خود را طوری وضع کنند که در رسیدگی‌های ممیزان مالیاتی (یا هر نهاد دیگر) مورد قبول واقع نشود (لایتر^{۱۰}، ۲۰۱۳). در شرکت‌هایی که نرخ مؤثر مالیاتی بدون چالش با ممیزان مالیاتی کاهش می‌یابد، مفهوم اجتناب مالیاتی از تهور مالیاتی متمایز می‌شود؛ برای نمونه دایر کردن شرکت فرعی در کشور دارای نرخ مالیاتی پایین‌تر، استفاده از مزیت مالیاتی روش‌های استهلاک تسریعی و یا ایجاد اعتبار مالیاتی فعالیت‌های تحقیق و توسعه در زمره فعالیت‌های تهور مالیاتی قرار نمی‌گیرند (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۶). بنابراین، می‌توان بیان کرد که کاهش مالیات با استفاده از ابزارهای قانونی، اجتناب مالیاتی و عدم پرداخت مالیات و بدهی مالیاتی با استفاده از ابزارهای مجرمانه، فرار مالیاتی است و به نظر می‌رسد که رویه‌های متهورانه مالیاتی رویه‌هایی هستند که بین این دو طیف، یعنی اجتناب و فرار مالیاتی قرار می‌گیرند و به مورد دوم نزدیک‌تر و دارای ریسک و پیامدهای ناخوشایند بیشتری نسبت به اجتناب مالیاتی باشند (خواجه‌وی و سروستانی، ۱۳۹۶).

در ارتباط با فعالیت‌های متهورانه مالیاتی دو دیدگاه وجود دارد: دیدگاه نخست به این موضوع می‌پردازد که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی

وجه نقد، فعالیت‌های متهورانه مالیاتی را انجام می‌دهند. بنابراین، از دیدگاه سرمایه‌گذاران، این فعالیت‌ها افزایش دهنده ارزش شرکت هستند و مدیران برای بکارگیری چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شوند و پاداش دریافت کنند. دیدگاه دوم به مسئله نمایندگی مربوط می‌شود که در این حالت، راهبرد مالیاتی متهورانه به عنوان ابزار ایجاد سپر برای فرصت‌طلبی و انحراف منافع توسط مدیران بکار گرفته می‌شود (نظریه فرصت‌طلبی مدیریتی) (حاجیها و همکاران، ۱۳۹۶).

در یک بررسی کلی، تهور مالیاتی را از بُعد شخصیت‌های عامل ایجاد آن می‌توان به سه دسته مؤدی، قانون‌گذار و مراجع مالیاتی تقسیم کرد (که به جهت بررسی دقیق‌تر دو دسته آخر به عنوان عوامل خارجی در نظر گرفته می‌شوند):

برخی از ابزارهای سیاست‌های متهورانه مالیات از دیدگاه مؤدی

این ابزارها شامل استفاده متهورانه از بدهی، استفاده بیش از حد از زیان‌های مالیاتی، کاهش مالیات‌های درآمدهای سرمایه‌ای در بازسازی شرکت، مطالبه بیش از حد کسورات مالیاتی برای هزینه‌های اجاره و استفاده از تراکنش‌های فروش و اجاره، استفاده از زیان‌های مالیاتی درآمدهای سرمایه‌ای، دستیابی نادرست به معافیت مالیات بر درآمد، ساختارهای پیچیده هلدینگ، انجام اقداماتی از جمله مخدوش کردن دفاتر قانونی به منظور رد دفاتر و نهایتاً تشخیص علی‌الرأس، خرید و ثبت دارایی‌های ثابت شرکت به صورت شخص حقیقی و درج هزینه‌های غیرواقعی است.

عوامل خارجی مؤثر در افزایش تهور مالیاتی

این عوامل شامل نارسایی قوانین (نقص، سکوت، اجمال و تناقض قوانین)؛ عدم وجود استانداردهای حسابداری مرتبط با مالیات بر درآمد؛ مغایرت‌های استانداردهای حسابداری با قوانین و مقررات مالیاتی و ناکارآمدی جرائم مالیاتی است (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲).

در کشور ایران پژوهش‌های اندکی به بررسی موضوع تهور مالیاتی پرداخته‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود. **حاجیها و همکاران (۱۳۹۶)** با بررسی ارتباط محدودیت مالی و راهبرد مالیاتی متهورانه در طی سال‌های ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۴ نشان دادند که

بین محدودیت‌های مالی و راهبرد مالیاتی متهورانه رابطه مثبت وجود دارد. بندریان و همکاران (۱۳۹۵) با بررسی تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه نتیجه گرفتند که در شرکت‌های با مدیریت سود بالاتر، سیاست مالیاتی متهورانه تر است. بهارمقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) با مطالعه رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات نشان دادند که هرچه تمرکز مالکیت بالاتر باشد، شرکت‌ها در اتخاذ رویه‌های مالیاتی کمتر به صورت جسورانه عمل می‌کنند. بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳) به بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت‌مدیره بر استراتژی مالیاتی جسورانه پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین استقلال و دانش هیئت‌مدیره با راهبرد مالیاتی متهورانه رابطه معناداری وجود دارد؛ در حالی که بین اندازه و تعداد جلسات هیئت‌مدیره با راهبرد مالیاتی متهورانه، رابطه معناداری وجود ندارد.

ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی

ارتباط سیاسی، پدیده رایجی است که در سراسر جهان به خصوص در اقتصادهای در حال توسعه و در حال گذار وجود دارد (وانگ^{۱۱} و همکاران، ۲۰۱۸). ارتباط و نفوذ سیاسی نه تنها بر وضعیت مالی بنگاه‌های اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه انگیزه‌های مدیران را نیز در ارتباط با مدیریت سود تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب ایجاد تفاوت‌های چشمگیر در سیاست‌های مالیاتی و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها می‌شود. با توجه به اینکه میزان ارتباط سیاسی بر جسارت مدیران این گونه شرکت‌ها تأثیرگذار بوده و سطح استفاده از اقلام تعهدی اختیاری را در آنان افزایش می‌دهد، می‌توان انتظار داشت که با دستکاری در میزان سود گزارش شده، میزان مالیات پرداختی شرکت نیز تغییر کند (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). از این‌رو، ارتباط سیاسی بر انگیزه شرکت‌ها برای انجام فعالیت‌های تهور مالیاتی تأثیر می‌گذارد؛ زیرا برای شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت مزایا و امتیازات دولتی مانند کسورات مالیاتی خاص فراهم می‌شود (ادهیکاری^{۱۲} و همکاران، ۲۰۰۶).

عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی تأثیر ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ نتیجه گرفتند که ارتباط سیاسی با تهور مالیاتی، رابطه مثبت و معناداری دارد. آنان استدلال می‌کنند که تأثیر منفی ارتباط سیاسی بر رویه‌های شرکت سبب می‌شود که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی نسبت به دیگر شرکت‌ها بیشتر به فعالیت‌های تهور مالیاتی بپردازند. **کیم و ژانگ^{۱۳} (۲۰۱۶)** رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را در دوره زمانی ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۹ بررسی کردند و دریافتند که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت از فعالیت‌های مالیاتی متهورانه‌تری استفاده می‌کنند. آنان در این رابطه دلایلی را ارائه می‌دهند از جمله اینکه: (۱) شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی به واسطه ارتباط خود با سیاست‌مداران احتمال کمتری برای کشف فعالیت‌های تهور مالیاتی دارند؛ (۲) برای شفافیت اطلاعات، فشار بازار کمتری را متحمل می‌شوند؛ (۳) ارتباط سیاسی می‌تواند سبب کاهش هزینه سیاسی از تهور مالیاتی شود و (۴) شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی ریسک‌پذیری بالاتری دارند. نتایج پژوهش **حسن^{۱۴} و همکاران (۲۰۱۲)** نیز حاکی از آن است که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت در مقایسه با دیگر شرکت‌ها، مالیات و سود سهام کمتری پرداخت می‌کنند. بنابراین، بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش فرضیه اول به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیه اول: بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

استقلال هیئت‌مدیره و تهور مالیاتی

مدیران غیرموظف برخلاف مدیران موظف افرادی خارج از سازمان هستند و به عنوان مدیران مستقل شناخته می‌شوند. از آنجایی که اعضا هیئت‌مدیره مستقل تحت کنترل و فشار درون‌سازمانی شرکت قرار نمی‌گیرند و فعالیت‌های مدیریت را با احتمال بیشتری به منظور حمایت از منافع سهامداران ارزیابی و کنترل می‌کنند؛ بنابراین از آنان انتظار می‌رود که در ایفای نقش نظارتی خود مؤثرتر عمل کنند، بر راهبردهای مهم شرکت به ویژه برنامه‌های اتخاذ شده در زمینه مالیات نظارت مستقیم داشته باشند (**بحری‌ثالث و همکاران،**

۱۳۹۳؛ زالی و ارشد^{۱۵}، ۲۰۱۴؛ خلیفه سلطانی و همکاران، ۱۳۹۳)، فعالیت‌های تهور مالیاتی را به طور عینی تر ارزیابی کنند و در این فعالیت‌ها مشارکت نداشته باشند (ژو^{۱۶}، ۲۰۱۱). در واقع اعضا هیئت مدیره مستقل تمایل بیشتری برای حمایت از منافع سهامداران در برابر فرصت طلبی مدیریت دارند؛ زیرا سهامداران از فعالیت‌های تهور مالیاتی که برای آنان منفعتی به همراه نداشته باشد پرهیز می‌کنند (هالیویی و همکاران، ۲۰۱۶). از سوی دیگر، اعضا هیئت مدیره مستقل در موقعیت بهتری برای سوق دادن منابع به سمت مدیریت مالیات هستند زیرا آنان به واسطه استقلال خود بینش وسیع‌تری از شرکت و عملکرد کلی آن دارند (آقایی و همکاران، ۱۳۹۴). بنابراین، ممکن است که به ترویج راهبرد تهور مالیاتی پردازند و تجربیات منحصر به فرد و دانش مفید خود را به منظور تشویق به فعالیت‌های تهور مالیاتی ارائه دهند (هالیویی و همکاران، ۲۰۱۶).

مولیادی و انوار^{۱۷} (۲۰۱۵)، در پژوهش خود نتیجه گرفتند که استقلال و پاداش هیئت مدیره با مدیریت مالیات همبستگی منفی دارد. نتایج پژوهش لانیس و ریچاردسون^{۱۸} (۲۰۱۱)، حاکی از آن است که تعداد اعضا غیرموظف هیئت مدیره با فعالیت متهورانه مالیاتی رابطه منفی و معنادار دارد. آقایی و همکاران (۱۳۹۴)، با بررسی رابطه ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و طرح‌ریزی مالیات شرکتی دریافتند که هرچه تعداد اعضا غیرموظف در هیئت مدیره شرکت بیشتر باشد طرح‌ریزی مالیات نیز بیشتر خواهد شد. نتایج پژوهش بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳) حاکی از آن است که بین استقلال هیئت مدیره و راهبرد مالیاتی جسورانه رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. دیدار و همکاران (۱۳۹۳) با بررسی تأثیر سازوکارهای راهبری شرکتی بر شکاف مالیاتی نتیجه گرفتند که رابطه استقلال هیئت مدیره با شکاف مالیاتی منفی است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در محیط ایران در رابطه با تأثیر استقلال هیئت مدیره بر فعالیت‌های مالیاتی نتایج متفاوتی به دست آمده است. بنابراین، با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش فرضیه دوم به شرح زیر مطرح می‌شود:

فرضیه دوم: بین استقلال هیئت‌مدیره و تهور مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد.

میزان مالکیت سهامداران نهادی و تهور مالیاتی

سرمایه‌گذاران نهادی تمایل دارند که با ایجاد راهبری شرکتی مناسب و افشاهای با کیفیت، هزینه‌های نظارتی و سیاسی را کاهش دهند (بوشی^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۳). آنان از طریق نظارت بر سرمایه‌گذاری مشارکت‌کنندگان با توجه به اندازه (جینگز^{۲۰}، ۲۰۰۵) و بودجه مورد نیاز برای ایفا نقش راهبری در شرکت‌ها وظیفه‌امین را انجام می‌دهند (هاولی و ویلیامز^{۲۱}، ۱۹۹۷)؛ لذا تلاش می‌کنند تا تصمیمات اتخاذ شده در شرکت منجر به حداکثرسازی ثروت سهامداران شود. با توجه به نقش سرمایه‌گذاران نهادی در افزایش ارزش شرکت می‌توان انتظار داشت که این سرمایه‌گذاران در راستا مدیریت مالیات نقش فعال داشته باشند؛ زیرا آنان می‌توانند مدیران را به استفاده بهینه از جریان‌های نقدی حاصل از صرفه‌جویی‌های مالیاتی در جهت حداکثرسازی ارزش شرکت هدایت کنند (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲). اما سرمایه‌گذاران نهادی با هدف سرمایه‌گذاری بلندمدت، در صورتی که تشخیص دهند فعالیت‌های اجتناب مالیاتی فرصت‌طلبی مدیران را تقویت می‌کند و شفافیت را کاهش می‌دهد، این فعالیت‌ها را خنثی خواهند کرد (دیانتی دیلمی و شکراللهی، ۱۳۹۴).

آرمسترانگ^{۲۲} و همکاران (۲۰۱۵) با بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر اجتناب مالیاتی دریافتند که شرکت‌های با مالکان نهادی بیشتر، اجتناب مالیاتی بیشتری دارند و از فعالیت‌های تهور مالیاتی بیشتری استفاده می‌کنند. نتایج پژوهش امبری و کرتری^{۲۳} (۲۰۱۲)، حاکی از آن است که شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران نهادی با دید کوتاه‌مدت، بیشتر به فعالیت‌های تهور مالیاتی می‌پردازند. خورانا و موسر^{۲۴} (۲۰۱۲)، استدلال می‌کنند که شرکت‌های دارای سرمایه‌گذاران نهادی با دید بلندمدت، کمتر به فعالیت‌های متهورانه مالیاتی می‌پردازند؛ زیرا آنان نگران عواقب این فعالیت‌ها در بلندمدت هستند. نتایج پژوهش خورانا و موسر (۲۰۰۹) در طی دوره زمانی ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۵ حاکی از آن است که

سرمایه گذاران نهادی دارای افق کوتاه مدت نسبت به سرمایه گذاران نهادی دارای افق بلندمدت، متهورانه تر عمل می کنند. نتایج پژوهش **کرمی و شهابی (۱۳۹۵)**، حاکی از آن است که هرچه میزان مالکیت دولتی و سهامداران نهادی در ساختار مالکیت شرکت افزایش یابد، تمایل شرکت برای کاهش مالیات پرداختی از طریق سیاست های مالیاتی متهورانه بیشتر می شود. از این رو، با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش فرضیه زیر مطرح می شود:

فرضیه سوم: بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و تهور مالیاتی، رابطه معناداری وجود دارد.

ارتباط سیاسی، راهبری شرکتی و تهور مالیاتی

شرکت ها معمولاً تمایل دارند که سازوکارهای راهبری شرکتی را برای افزایش ارزش خود تقویت و به روابط سیاسی خود با دولت نیز توجه کنند (شن^{۲۵} و همکاران، ۲۰۱۵). زیرا روابط سیاسی علاوه بر مزایایی که به همراه دارد سبب تضعیف عملکرد، تحریف در کارایی سرمایه گذاری و افزایش هزینه های نمایندگی می شود (موسویان و فخاری، ۱۳۹۶؛ خان و همکاران، ۲۰۱۶). در ارتباط با نقش راهبری شرکتی بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی دو دیدگاه وجود دارد. از یک سو، راهبری شرکتی باید تأثیر ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی را کاهش دهد و از سوی دیگر اگر بعد شخصی ارتباط سیاسی (روابط غیررسمی بین شرکت و سیاستمداران) جایگزین بعد سیاسی شود، راهبری شرکتی قادر به کاهش نقش ارتباط سیاسی در رابطه با تهور مالیاتی نیست (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷). دیدگاه دیگر، در ارتباط با نقش قابلیت جایگزینی و مکمل از راهبری شرکتی است. در دیدگاه قابلیت جایگزینی، زمانی که راهبری شرکتی به جای ارتباط سیاسی فعالیت می کند، عملکرد مستقیم ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی به وسیله راهبری شرکتی جایگزین می شود به طوری که میزان تهور مالیاتی شرکت تغییری نخواهد کرد (وارد^{۲۶} و همکاران، ۲۰۰۹). از این رو، از دیدگاه نقش قابلیت جایگزینی، راهبری شرکتی و ارتباط سیاسی قابل جایگزین با یکدیگر هستند. در نتیجه، افزایش در سطح

راهبری شرکتی تنها هزینه نمایندگی بالا را جایگزین می‌کند که از ارتباط سیاسی ناشی می‌شود و تأثیر متفاوتی بر تهور مالیاتی ندارد (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷).

در دیدگاه مکمل، افزودن راهبری شرکتی در رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی سبب افزایش کارایی ارتباط سیاسی می‌شود. به عبارت دیگر، نقش مکمل راهبری شرکتی اشاره به این موضوع دارد که راهبری شرکتی منجر به راهبری مؤثرتری در رفع مشکلات نمایندگی می‌شود (وارد و همکاران، ۲۰۰۹). بنابراین، در این دیدگاه، افزایش در راهبری شرکتی به سطح مطلوب، هزینه‌های نمایندگی که از ارتباط سیاسی ناشی می‌شود را کاهش و سپس تهور مالیاتی را کاهش می‌دهد. از این رو، از دیدگاه نقش مکمل، سازوکارهای راهبری شرکتی، تأثیر ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی را کاهش می‌دهند (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷).

عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) با بررسی تأثیر راهبری شرکتی (استقلال هیئت‌مدیره، اندازه هیئت‌مدیره، سرمایه‌گذار نهادی، دوگانگی مدیرعامل و حسابرس مستقل) بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی در طی دوره زمانی ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۹ دریافتند که راهبری شرکتی بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی تأثیری ندارد. بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش و با توجه به اینکه در پژوهش حاضر استقلال هیئت‌مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی به عنوان دو معیار مهم از معیارهای راهبری شرکتی در نظر گرفته شده‌اند فرضیه‌های زیر مطرح می‌شوند:

فرضیه چهارم: استقلال هیئت‌مدیره رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را تعدیل می‌کند.

فرضیه پنجم: میزان مالکیت سهامداران نهادی رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را تعدیل می‌کند.

روش‌شناسی پژوهش

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. نمونه‌گیری از جامعه آماری به روش حذف سیستماتیک و بر اساس معیارهای زیر صورت گرفته است:

۱. شرکت مورد بررسی، قبل از سال ۱۳۹۰ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد.

۲. فعالیت اصلی شرکت سرمایه‌گذاری، بانکداری، لیزینگ و نهادهای مالی نباشد.

۳. شرکت مورد بررسی، طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشد.

۴. طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ اطلاعات مالی شرکت مورد بررسی در دسترس باشد.

۵. در طی بازه زمانی پژوهش، شرکت سود گزارش کرده باشد (سپاسی و همکاران، ۱۳۹۶؛ عرب‌صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

در نهایت، پس از اعمال محدودیت‌های ذکر شده تعداد ۱۲۱ شرکت به عنوان نمونه آماری مورد بررسی قرار گرفت.

داده‌های مورد نیاز این پژوهش از صورت‌های مالی حسابرسی شده، گزارش‌های سالانه هیئت‌مدیره به مجمع و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی شرکت‌های نمونه پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از سایت کدال استخراج شده است. پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های همبستگی و شبه‌تجربی و از لحاظ هدف، از نوع کاربردی است. همچنین از نظر نوع داده‌ها و زمان گردآوری اطلاعات از نوع مطالعات پنل نامتوازن و تاریخی است که برای تجزیه و تحلیل نهایی به منظور واکاوی داده‌ها از نرم‌افزارهای اکسل و استاتا استفاده شده است.

الگوهای پژوهش و متغیرهای آن

به منظور آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش از الگوی شماره (۱) استفاده شده است.

$$\text{TAX_AGGR}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{PCON}_{i,t} + \beta_2 \text{BIND}_{i,t} + \beta_3 \text{INSTOWN}_{i,t} + \beta_4 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{LEV}_{i,t} + \beta_6 \text{MTBV}_{i,t} + \beta_7 \text{EXA}_{i,t} + \beta_8 \text{EFY}_{i,t} + \beta_9 \text{COMREPO}_{i,t} + \sum_{i=1}^{10} \text{INDUSTRIESDUMMY} + \sum_{i=1390}^{1395} \text{YEARDUMMY} + \varepsilon \quad (1)$$

به منظور آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش از الگوی شماره (۲) استفاده شده است.

$$\text{TAX_AGGR}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{PCON}_{i,t} + \beta_2 \text{BIND}_{i,t} + \beta_3 \text{INSTOWN}_{i,t} + \beta_4 \text{PCON}_{i,t} \times \text{BIND}_{i,t} + \beta_5 \text{PCON}_{i,t} \times \text{INSTOWN}_{i,t} + \beta_6 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_7 \text{LEV}_{i,t} + \beta_8 \text{MTBV}_{i,t} + \beta_9 \text{EXA}_{i,t} + \beta_{10} \text{EFY}_{i,t} + \beta_{11} \text{COMREPO}_{i,t} + \sum_{i=1}^{10} \text{INDUSTRIESDUMMY} + \sum_{i=1390}^{1395} \text{YEARDUMMY} + \varepsilon \quad (2)$$

متغیر وابسته

تهور مالیاتی (TAX_AGGR_{i,t}): **اعتمادی و همکاران (۱۳۹۵)**، استفاده از تفاوت دفتری مالیات، تفاوت مالیات دفتری موقتی و دائمی را برای اندازه‌گیری تهور مالیاتی معرفی کرده‌اند. در این پژوهش با توجه به شرایط ایران از تفاوت دفتری مالیات برای اندازه‌گیری تجربی تهور مالیاتی استفاده شده که به منظور همگن‌سازی، بر کل دارایی‌ها تقسیم شده است. بسیاری از پژوهش‌های خارجی از جمله **مانزن و پلسکو^{۲۷} (۲۰۰۲)** و **چن و همکاران (۲۰۱۰)** نیز از این معیار برای اندازه‌گیری تهور مالیاتی استفاده کرده‌اند. تفاوت دفتری مالیات از تفاوت سود حسابداری قبل از کسر مالیات و سود مشمول مالیات به دست می‌آید. سود مشمول مالیات شرکت نیز از راه تقسیم مالیات شرکت بر نرخ مالیات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران محاسبه می‌شود (**خواجوی و همکاران، ۱۳۹۵**). با توجه به ماده ۶ قانون توسعه، از سال ۱۳۸۹ به بعد چنانچه سهام شناور شرکت حداقل ۲۰ درصد باشد؛ نرخ مالیات برابر با ۲۰ درصد و در غیر این صورت برابر با ۲۲/۵ درصد در نظر گرفته شده است.

متغیرهای مستقل

ارتباط سیاسی (PCON_{i,t}): شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت با احتمال بیشتری می‌توانند از بانک‌های دولتی وام بگیرند و کل مبلغ وام درخواستی خود را دریافت کنند (**فو^{۲۸} و همکاران، ۲۰۱۷**). در نتیجه نسبت بدهی در این شرکت‌ها در مقایسه با دیگر شرکت‌ها بالاتر است. از این رو، در پژوهش حاضر شرکت‌هایی را که نسبت بدهی‌های

بلندمدت به کل بدهی‌ها و نیز نسبت اعضا هیئت‌مدیره وابسته به دولت به کل اعضا هیئت‌مدیره آنها، بیشتر از میانه سایر شرکت‌ها باشد، به عنوان شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی در نظر گرفته شده و به آنها عدد یک و به مابقی شرکت‌ها عدد صفر اختصاص داده شده است (لین^{۲۹} و همکاران، ۲۰۱۵؛ ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶). در پژوهش زلفی و همکاران (۱۳۹۷)، شرکتی که بیش از ۵۰ درصد از سهام آن به صورت مستقیم یا غیرمستقیم متعلق به دولت باشد به عنوان شرکت وابسته به دولت در نظر گرفته شده است. در نتیجه برای تعیین اعضا هیئت‌مدیره وابسته به دولت نیز از این معیار استفاده شده است. استقلال هیئت‌مدیره ($BIND_{i,t}$): نسبت مدیران مستقل به کل اعضا هیئت‌مدیره است (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷).

میزان مالکیت سهامداران نهادی ($INSTOWN_{i,t}$): مصوبه مورخ ۱۳۸۶/۰۶/۲۸ هیئت‌مدیره سازمان بورس در خصوص تعریف سهامدار نهادی به شرح زیر است: سرمایه‌گذاران نهادی موضوع بند ۲۷ ماده یک قانون بازار اوراق بهادار ج.ا.ا عبارتند از: بانک‌ها، بیمه‌ها، هلدینگ‌ها، شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق بازنشستگی، تأمین سرمایه و صندوق‌های سرمایه‌گذاری ثبت شده نزد سازمان بورس و اوراق بهادار، هر شخص حقیقی یا حقوقی که بیش از ۵ درصد یا بیش از ۵ میلیارد ریال از ارزش اسمی اوراق بهادار در دست انتشار ناشر را خریداری کند، سازمان‌ها و نهادهای دولتی و عمومی، شرکت‌های دولتی، اعضا هیئت‌مدیره و مدیران ناشر یا اشخاصی که کارکرد مشابه دارند (باباجانی و عبدی، ۱۳۸۹؛ دیانتی دیلمی و شکراللهی، ۱۳۹۴). لذا با بررسی یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی، درصد مالکیت این سهامداران از سهام شرکت مشخص شده است.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت ($SIZE_{i,t}$): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها است (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷). واتس و زیمرمن^{۳۰} (۱۹۸۶)، استدلال می‌کنند که شرکت‌های بزرگتر با هزینه‌های سیاسی بیشتری مواجه هستند، در نتیجه انتظار می‌رود که این شرکت‌ها تمایل کمتری به

تهور مالیاتی داشته باشند. در مقابل، بر طبق نظریه قدرت سیاسی، شرکت‌های بزرگتر با استفاده از قدرت سیاسی و زدوبندهای سیاسی، می‌توانند در طرح‌ها و پروژه‌های مالیات‌کاه، سرمایه‌گذاری کرده و مالیات خود را مدیریت کنند (عرب‌صالحی و هاشمی، ۱۳۹۴).

اهرم مالی ($LEV_{i,t}$): نسبت کل بدهی‌ها به کل دارایی‌ها است. در ادبیات مالی از بدهی به عنوان یکی از سپرهای مالیاتی یاد می‌شود. این ادعا از آنجا نشئت می‌گیرد که هزینه بهره، نوعی هزینه قابل قبول مالیاتی است و شرکتی که جهت تأمین نیازهای مالی خود از بدهی استفاده می‌کند، در نهایت سود کمتر و مالیات کمتری را پرداخت خواهد کرد (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۲).

رشد شرکت ($MTBV_{i,t}$): نسبت بازار به دفتری حقوق صاحبان سهام است (عبدالوهاب و همکاران، ۲۰۱۷). به اعتقاد کیم و لیمپافیوم^{۳۱} (۱۹۹۸)، شرکتی که در دوران رشد است احتمالاً سرمایه‌گذاری‌های بیشتری انجام می‌دهد که سبب هزینه‌های عملیاتی بیشتر می‌شود.

نوع حسابرس مستقل ($EXA_{i,t}$): در صورتی که حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر در نظر گرفته شده است. **خواجه‌وی و کیامهر (۱۳۹۴)** با بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی دریافتند که اندازه مؤسسه حسابرسی بر اجتناب مالیاتی تأثیر مستقیم دارد. به بیان دیگر، در شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی، میزان اجتناب مالیاتی بیشتر است و این شرکت‌ها میزان مالیات کمتری را اظهار می‌کنند و از طرفی این شرکت‌ها بیشتر دولتی یا وابسته به دولت هستند.

پایان سال مالی شرکت ($EFY_{i,t}$): برای شرکت‌هایی که پایان سال مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد مقدار یک و در غیر این صورت مقدار صفر در نظر گرفته شده است. مزیت این رویکرد، ممانعت از حذف حجم زیادی از مشاهدات است (افلاطونی، ۱۳۹۶).

گزارش تلفیقی (COMREPO_{i,t}): برای شرکت‌هایی که گزارش تلفیقی ارائه کرده‌اند مقدار یک و برای سایر شرکت‌ها مقدار صفر در نظر گرفته شده است.

اثرات ثابت صنعت (INDUSTRIES DUMMY): قوانین مالیاتی کشور به نحوی است که برخی از صنایع، قابلیت و توانایی بیشتری برای مدیریت مالیات دارند. برای نمونه در صنعتی که امکان تولید محصولات صادراتی یا کشاورزی وجود دارد، شرکت‌ها این قابلیت را دارند که از معافیت مالیاتی بیشتری طبق مواد شماره ۸۱ و ۱۴۱ قانون مالیات‌های مستقیم برخوردار باشند (پورحیدری و سروستانی، ۱۳۹۱). علاوه بر این، شرکت‌های در صنایع رقابتی‌تر و در موقعیت نسبتاً زیان‌آور در صنعت، انگیزه قوی‌تری برای پرداخت مالیات کمتر دارند (کای و لئو، ۲۰۰۹).

اثرات ثابت زمان (YEAR DUMMY): در پژوهش حاضر از دوره زمانی ۶ ساله استفاده شده است.

یافته‌های پژوهش

آماره‌های توصیفی و همبستگی متغیرها

به منظور بررسی و تجزیه و تحلیل اولیه داده‌ها، پس از ویرایش^{۳۳} مشاهدات پرت در سطح ۵ و ۹۵ درصد، آماره‌های توصیفی برای متغیرهای کمی پژوهش محاسبه و در جدول (۱) ارائه شده است. با توجه به نزدیکی میانه و میانگین متغیرها می‌توان بیان کرد که متغیرهای پژوهش از توزیع آماری مناسبی برخوردار هستند. مقدار میانگین به دست آمده برای متغیر تهور مالیاتی برابر با ۰/۰۱۹ است که کم‌ویش با نتیجه پژوهش‌های بهارمقدم و امینی‌نیا (۱۳۹۳) و بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳) که از نرخ مؤثر مالیاتی برای سنجش تهور مالیاتی استفاده کرده‌اند هماهنگ است و از مقدار میانگین به دست آمده (۰/۷۰۷) در پژوهش عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷) بسیار کمتر است. حداقل تفاوت سود حسابداری قبل از کسر مالیات و سود مشمول مالیات (۰/۱۵۱-) بیانگر این است که در بعضی از شرکت‌ها سود حسابداری قبل از کسر مالیات کمتر از سود مشمول مالیات است.

جدول شماره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

بخش الف- متغیرهای پیوسته					
متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
تهور مالیاتی	۰/۰۱۹	۰/۰۰۱	۰/۲۴۶	-۰/۱۵۱	۰/۰۹۸
استقلال هیئت مدیره	۰/۷۰۰	۰/۷۷۵	۱	۰/۴	۰/۱۸۴
میزان مالکیت سهامداران نهادی	۰/۷۸۲	۰/۸۵۴	۰/۹۷۲	۰/۳۲۸	۰/۱۸۴
اندازه شرکت	۱۲/۱۵۱	۱۲/۰۷۱	۱۳/۳۹۰	۱۱/۱۳۷	۰/۶۰۷
اهرم مالی	۰/۵۳۷	۰/۵۴۲	۰/۸۱۸	۰/۲۳۲	۰/۱۶۷
رشد شرکت	۲/۵۷۲	۲/۲۱۹	۶/۲۴۶	۰/۸۲۸	۱/۴۱۶
بخش ب- متغیرهای گسسته					
متغیر	درصد فراوانی		متغیر	درصد فراوانی	
	یک	صفر		یک	صفر
ارتباط سیاسی	۰/۶۷	۰/۳۳	پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند	۰/۱۷	۰/۸۳
نوع حسابرس مستقل	۰/۷۸	۰/۲۲	گزارش تلفیقی	۰/۵۸	۰/۴۲

همبستگی بین متغیرها

بر اساس ضرایب همبستگی متغیرها در جدول (۲)، مشاهده می‌شود که در سطح ۵ درصد بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی همبستگی مثبت معنادار و بین متغیرهای استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی با تهور مالیاتی همبستگی منفی و معنادار وجود دارد.

جدول شماره ۲. ضرایب همبستگی متغیرها

متغیرها	TAX_	PCON	BIND	INST OWN	SIZE	LEV	MTBV	EXA	EFY	COM REPO
TAX	۱/۰۰۰									
PCON	۰/۱۲۵ (۰/۰۰۱)	۱/۰۰۰								
BIND	-۰/۰۶۶ (۰/۰۱۴)	-۰/۰۱۴ (۰/۰۰۶)	۱/۰۰۰							
INST OWN	-۰/۱۱۶ (۰/۰۰۲)	۰/۰۰۹ (۰/۷۹۲)	۰/۱۴۳ (۰/۰۰۰)	۱/۰۰۰						
SIZE	۰/۲۰۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۲۱ (۰/۵۶۵)	-۰/۰۹۹ (۰/۰۰۷)	۰/۱۶۶ (۰/۰۰۰)	۱/۰۰۰					

				۰/۰۶۸ (۰/۰۶۷)	۰/۱۴۹ (۰/۰۰۰)	-۰/۱۴۶ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۳۴ (۰/۳۶۱)	-۰/۳۸۸ (۰/۰۰۰)	LEV
		۱/۰۰۰		۰/۱۸۴ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۳۰ (۰/۴۱۸)	۰/۰۲۵ (۰/۴۸۹)	۰/۰۰۱ (۰/۹۷۳)	۰/۰۵۵ (۰/۱۶۰)	MTBV
		۱/۰۰۰		۰/۰۸۸ (۰/۰۱۷)	۰/۱۴۸ (۰/۰۰۰)	۰/۲۱۲ (۰/۰۰۰)	۰/۰۸۸ (۰/۰۱۶)	۰/۰۰۵ (۰/۸۸۴)	EXA
	۱/۰۰۰			۰/۱۴۲ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۳۵ (۰/۳۴۳)	۰/۰۶۸ (۰/۰۶۴)	۰/۰۲۴ (۰/۵۱۳)	-۰/۰۸۶ (۰/۰۱۹)	EFY
۱/۰۰۰	۰/۲۴۷ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۰۴ (۰/۵۱۳)	-۰/۰۲۰۹ (۰/۰۱۷)	-۰/۱۵۷ (۰/۰۰۰)	۰/۳۱۷ (۰/۰۰۰)	-۰/۰۴۲ (۰/۵۱۳)	۰/۰۰۹ (۰/۹۰۶)	۰/۰۲۴ (۰/۷۹۲)	COM REPO

نتایج آزمون فرضیه‌ها

به منظور رفع مشکلاتی از قبیل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی خطاها از روش خطا استاندارد مقاوم^{۳۴} در برازش الگوهای رگرسیونی استفاده شده (افلاطونی، ۱۳۹۶؛ پترسون، ۲۰۰۹) و از آنجایی که اثرات سال و صنعت در الگو کنترل شده است؛ از این رو نیازی به کاربرد رویکرد آزمون‌های انتخاب الگوی مناسب بر آورد الگو نیست (افلاطونی، ۱۳۹۶).

جدول شماره ۳. نتایج حاصل از آزمون الگوی یک

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس (VIF)
عدد ثابت	-۰/۲۷۹	-۳/۳۱	۰/۰۰۱	---
ارتباط سیاسی	۰/۰۲۸	۳/۹۱	۰/۰۰۰	۱/۲۴
استقلال هیئت‌مدیره	-۰/۰۳۹	-۲/۲۰	۰/۰۲۸	۱/۱۹
میزان مالکیت سهامداران نهادی	-۰/۰۵۱	-۳/۰۱	۰/۰۰۳	۱/۲۸
اندازه شرکت	۰/۰۳۹	۵/۵۴	۰/۰۰۰	۱/۵۲
اهرم مالی	-۰/۲۲۹	-۹/۷۱	۰/۰۰۰	۱/۳۹
رشد شرکت	۰/۰۰۷	۲/۹۲	۰/۰۰۴	۱/۳۲
نوع حسابرس مستقل	۰/۰۰۹	۱/۲۸	۰/۲۰۱	۱/۱۷
پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند	۰/۰۰۱	۰/۱۲	۰/۹۰۲	۱/۲۲
گزارش تلفیقی	۰/۰۰۳	۰/۵۲	۰/۶۰۱	۱/۳۵
	اثرات ثابت صنعت	کنترل شده است.		
	اثرات ثابت زمان	کنترل شده است.		
آماره F: ۱۸/۲۷	سطح معناداری: ۰/۰۰۰	ضریب تعیین: ۰/۳۹۰		

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های اول، دوم و سوم پژوهش در جدول (۳) ارائه شده است. با توجه به آماره F و سطح معناداری آن، الگوی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. سطح معناداری متغیر ارتباط سیاسی برابر با (۰/۰۰۰) حاکی از وجود رابطه معنادار میان ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی است که علامت ضریب این متغیر بیانگر تأثیر مثبت آن بر تهور مالیاتی است. به عبارت دیگر، با افزایش برقراری ارتباط سیاسی شرکت با دولت میزان تهور مالیاتی افزایش می‌یابد. بنابراین، فرضیه اول پژوهش رد نمی‌شود. همچنین مشاهده می‌شود که متغیر استقلال هیئت‌مدیره دارای سطح معناداری (۰/۰۲۸) است. بنابراین، رابطه بین این متغیر و تهور مالیاتی معنادار شده است. با توجه به منفی بودن ضریب متغیر استقلال هیئت‌مدیره می‌توان نتیجه گرفت که بین استقلال هیئت‌مدیره و تهور مالیاتی رابطه معکوس وجود دارد. در نتیجه فرضیه دوم پژوهش نیز رد نمی‌شود. به علاوه در سطح معناداری ۵ درصد میزان مالکیت سهامداران نهادی نیز بر تهور مالیاتی تأثیر معناداری دارد. ضریب به دست آمده برای این متغیر نشان می‌دهد که بین میزان مالکیت سهامداران نهادی در شرکت و تهور مالیاتی رابطه معکوس وجود دارد. بنابراین، فرضیه سوم پژوهش نیز رد نمی‌شود.

در ارتباط با متغیرهای کنترلی، متغیر اندازه و رشد شرکت تأثیر معنادار و مثبت و متغیر اهرم مالی تأثیر معنادار و منفی بر میزان تهور مالیاتی شرکت دارند. متغیرهای نوع حسابرس مستقل، پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه و گزارش تلفیقی تأثیر غیرمعناداری بر میزان تهور مالیاتی شرکت دارند.

جدول شماره ۴. نتایج حاصل از آزمون الگوی دو

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری	عامل تورم واریانس (VIF)
عدد ثابت	-۰/۲۰۶	-۲/۶۶	۰/۰۰۸	---
ارتباط سیاسی	۰/۱۰۰	۸/۱۰	۰/۰۰۰	۳/۱۶
استقلال هیئت‌مدیره	۰/۰۱۹	۱/۰۳	۰/۳۰۲	۱/۶۰
سهامداران نهادی	-۰/۰۱۳	-۰/۹۱	۰/۳۶۲	۱/۵۸

۵/۰۹	۰/۰۰۱	-۳/۴۸	-۰/۰۹۵	ارتباط سیاسی × استقلال هیئت مدیره
۴/۸۴	۰/۰۳۰	-۲/۱۸	-۰/۰۴۳	ارتباط سیاسی × سهامداران نهادی
۱/۵۳	۰/۰۰۰	۴/۳۰	۰/۰۲۸	اندازه شرکت
۱/۳۶	۰/۰۰۰	-۱۰/۱۷	-۰/۲۲۲	اهرم مالی
۱/۳۶	۰/۴۷۷	۰/۷۱	۰/۰۰۱	رشد شرکت
۱/۲۰	۰/۲۳۱	۱/۲۰	۰/۰۰۸	نوع حسابرس مستقل
۱/۲۳	۰/۶۲۳	-۰/۴۹	-۰/۰۰۴	پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند
۱/۳۴	۰/۳۴۷	۰/۹۴	۰/۰۰۶	گزارش تلفیقی
		اثرات ثابت صنعت	کنترل شده است.	
		اثرات ثابت زمان	کنترل شده است.	
آماره F: ۲۷/۰۹		سطح معناداری: ۰/۰۰۰	ضریب تعیین: ۰/۴۷۹	

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های چهارم و پنجم پژوهش در جدول (۴) ارائه شده است. با توجه به آماره F و سطح معناداری آن، الگوی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار است. سطح معناداری مربوط به متغیرهای تعاملی PCON×BIND و PCON×INSTOWN کمتر از ۵ درصد و معنادار است و ضریب آنها به ترتیب برابر با (۰/۰۹۵-) و (۰/۰۴۳-) است. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی، رابطه مثبت بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را تضعیف می‌نماید (تأثیر معکوس). بنابراین، فرضیه چهارم و پنجم پژوهش رد نمی‌شوند.

جدول شماره ۵. نتایج حاصل از آزمون الگوی یک باروش خطا استاندارد خوشه‌بندی شده (کلاستر پنل)

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	-۰/۲۰۹	-۱/۵۲	۰/۱۳۲
ارتباط سیاسی	۰/۰۲۳	۲/۷۳	۰/۰۰۷
استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۵۵	-۲/۲۷	۰/۰۲۵
میزان مالکیت سهامداران نهادی	-۰/۰۷۲	-۲/۹۵	۰/۰۰۴
اندازه شرکت	۰/۰۳۵	۳/۰۸	۰/۰۰۳
اهرم مالی	-۰/۲۲۶	-۷/۵۰	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۰۵	۱/۸۸	۰/۰۶۲
نوع حسابرس مستقل	۰/۰۱۰	۰/۸۲	۰/۴۱۲

۰/۹۲۶	-۰/۰۹	-۰/۰۰۱	پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند
۰/۷۸۶	۰/۲۷	۰/۰۰۳	گزارش تلفیقی
	کنترل شده است.		اثرات ثابت صنعت
	کنترل شده است.		اثرات ثابت زمان
۰/۴۱۲	ضریب تعیین:	سطح معناداری: ۰/۰۰۰	آماره F: ۸/۲۵

آزمون اضافی

بال^{۳۵} و همکاران (۲۰۱۲)، استدلال کردند که استفاده از الگو با اثرات ثابت برای تخمین الگوهای رگرسیونی، می تواند اثر عوامل حذف شده خاص شرکت را کنترل کند که در طول زمان نامعتبر هستند اما قدرت برآورد کنندگی الگو را کاهش می دهد. از این رو، در یک عمل جایگزین الگوهای پژوهش با خطا استاندارد خوشه بندی شده (کلاستر پنل) نیز برآزش شدند. بر اساس نتایج به دست آمده در جدول (۵) مشاهده می شود که ارتباط سیاسی تأثیر معنادار و مثبت و استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی تأثیر معنادار و منفی بر میزان تهور مالیاتی دارد.

جدول شماره ۶. نتایج حاصل از آزمون الگوی دو با روش خطا استاندارد خوشه بندی شده (کلاستر پنل)

متغیر	ضریب	آماره t	سطح معناداری
عدد ثابت	-۰/۲۰۳	-۱/۷۶	۰/۰۸۱
ارتباط سیاسی	۰/۱۰۰	۶/۷۲	۰/۰۰۰
استقلال هیئت مدیره	۰/۰۱۹	۰/۷۴	۰/۴۶۳
میزان مالکیت سهامداران نهادی	-۰/۰۱۱	-۰/۵۸	۰/۵۶۳
ارتباط سیاسی × استقلال هیئت مدیره	-۰/۰۸۷	-۲/۶۰	۰/۰۱۱
ارتباط سیاسی × میزان مالکیت سهامداران نهادی	-۰/۰۵۱	-۲/۴۹	۰/۰۱۴
اندازه شرکت	۰/۰۲۸	۲/۹۰	۰/۰۰۴
اهرم مالی	-۰/۲۲۲	-۸/۱۳	۰/۰۰۰
رشد شرکت	۰/۰۰۱	۰/۶۱	۰/۵۴۳
نوع حسابرس مستقل	۰/۰۰۸	۰/۷۶	۰/۴۴۹
پایان سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند	-۰/۰۰۴	-۰/۳۲	۰/۷۵۱
گزارش تلفیقی	۰/۰۰۶	۰/۵۶	۰/۵۷۴
	اثرات ثابت صنعت	کنترل شده است.	
	اثرات ثابت زمان	کنترل شده است.	
آماره F: ۲۲/۲۶	سطح معناداری: ۰/۰۰۰	ضریب تعیین: ۰/۴۸۱	

همچنین براساس یافته‌های به دست آمده در جدول (۶) مشاهده می‌شود که سطح معناداری مربوط به متغیرهای تعاملی $PCON \times BIND$ و $PCON \times INSTOWN$ کمتر از ۵ درصد و معنادار است و ضریب به دست آمده برای آنها منفی است؛ به این معنا که استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی می‌توانند تأثیر مثبت ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی را کاهش دهند. از این رو، نتایج حاصل از آزمون اضافی، مطابق با نتایج اولیه است که نشان می‌دهد نتایج پژوهش از قابلیت اتکاء مناسبی برخوردار است.

بحث و نتیجه‌گیری

تهور مالیاتی به دامنه محدودتری از رفتارهای اجتناب مالیاتی اشاره دارد که به طور خاص متهورانه باشند. آستانه عدم تأیید برای معاملات مرتبط با مالیات در یک حسابرسی مالیاتی، به عنوان نقطه مرجع برای تمایز انواع رفتارهای متهور و غیرمتهور اجتناب مالیاتی معرفی شده است (اعتمادی و همکاران، ۱۳۹۵). با توجه به این موضوع که گزارشگری متهورانه مالیاتی به ویژه در ایران بر خلاف گزارشگری مالی متهورانه، کمتر مورد بررسی قرار گرفته است (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲)؛ لذا هدف پژوهش حاضر سعی بر ایجاد درک بیشتر نسبت به عوامل مؤثر بر تهور مالیاتی بوده که به طور خاص تأثیر ارتباط سیاسی، استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی به عنوان دو معیار از معیارهای راهبری شرکتی بر تهور مالیاتی و همچنین تأثیر این معیارها بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی بررسی شده است.

نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی با دولت، میزان تهور مالیاتی بیشتری دارند. در واقع، برقراری ارتباط سیاسی شرکت‌ها با دولت این امکان را برای آنها فراهم می‌آورد که دولت آنها را به ذخایر نقدی بزرگ از طریق پرداخت مالیات کمتر قادر سازد و مدیران این گونه شرکت‌ها از سیاست‌های مالیاتی متهورانه‌تری استفاده کنند (کیم و ژانگ، ۲۰۱۶). علاوه بر این، از آنجایی که در شرکت‌های دارای ارتباط سیاسی، احتمال کمتری وجود دارد که فعالیت‌های تهور مالیاتی آنها کشف شده و با ممیزان مالیاتی با چالش روبه‌رو شوند؛ در نتیجه میزان ریسک‌پذیری

آنها نسبت به دیگر شرکت‌ها افزایش می‌یابد و تمایل بیشتری به استفاده از فعالیت‌های متهورانه مالیاتی پیدا می‌کنند. نتایج پژوهش مشابه با نتایج پژوهش **عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷)**، **کیم و ژانگ (۲۰۱۶)** و **حسن و همکاران (۲۰۱۲)** است.

همچنین نتایج پژوهش حاکی از آن است که هرچه تعداد اعضای هیئت مدیره مستقل در شرکت بیشتر باشد، میزان تهور مالیاتی شرکت کاهش می‌یابد. در واقع، مدیران مستقل به دلیل منافع خود حاضر به تبانی با مدیران اجرایی نمی‌باشند. زیرا آنان اکثراً در سایر شرکت‌ها دارای سمت‌های اجرایی مدیریت می‌باشند و انگیزه بالایی برای کسب شهرت به عنوان تخصص در امر تصمیم‌گیری و برخورداری از فرصت‌های شغلی بهتر در آینده دارند (**فاما و جنسن^{۳۶}، ۱۹۸۳**). بنابراین، تلاش می‌کنند تا میزان تهور مالیاتی را در شرکت کاهش دهند؛ زیرا یکی از ریسک‌های بالقوه شرکت‌ها در اتخاذ سیاست‌های تهور مالیاتی ورود ناآگاهانه به قلمرو فرار مالیاتی است که خط قرمزی برای مأموران مالیاتی است و ممکن است به کاهش اعتبار مدیران و حتی کاهش ارزش سهام شرکت منجر شود. نتایج پژوهش مشابه با نتایج پژوهش **مولیادی و انوار (۲۰۱۵)**، **لانیس و ریچاردسون (۲۰۱۱)** و **دیدار و همکاران (۱۳۹۳)** و مخالف با نتایج پژوهش **آقایی و همکاران (۱۳۹۴)** و **بحری‌ثالث و همکاران (۱۳۹۳)** است.

به علاوه، نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین میزان مالکیت سهامداران نهادی و تهور مالیاتی، رابطه معکوس وجود دارد. در واقع سهامداران نهادی با در اختیار داشتن سهام عمده شرکت و حق رأی ناشی از آن، مدیران را از انجام رفتارهای مخالف با منافع و اعتبار شرکت باز می‌دارند. از این رو می‌توان نتیجه گرفت که سهامداران نهادی دارای افق سرمایه‌گذاری بلندمدت هستند و می‌خواهند ارزش شرکت را در بلندمدت افزایش دهند و از فعالیت‌های تهور مالیاتی جلوگیری کنند که زمینه را برای فرصت‌طلبی مدیریت به همراه می‌آورد. نتایج پژوهش مشابه با نتایج پژوهش **امبری و کرنتری (۲۰۱۲)**، **خورانا و**

موسر (۲۰۱۲) و خورانا و موسر (۲۰۰۹) و مخالف با نتایج پژوهش آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۵) و کرمی و شهابی (۱۳۹۵) است.

همچنین نتایج حاکی از آن است که استقلال هیئت مدیره و میزان مالکیت سهامداران نهادی بر رابطه بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی تأثیر معناداری دارند و رابطه مثبت بین ارتباط سیاسی و تهور مالیاتی را کاهش می‌دهند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که در این پژوهش دیدگاه مکمل راهبری شرکتی حاکم است و راهبری شرکتی، هزینه نمایندگی ناشی از ارتباط سیاسی را کاهش و سپس تهور مالیاتی را کاهش می‌دهد. در واقع، وجود اعضای هیئت مدیره مستقل در ترکیب اعضای هیئت مدیره، سبب کاهش مشکلات نمایندگی می‌شود و از میزان تهور مالیاتی شرکت می‌کاهد. همچنین سهامداران نهادی با نظارت کارآمد، دانش، تجربه و دید بلندمدت خود سعی در کاهش تهور مالیاتی دارند. به همین سبب آنان می‌توانند تأثیر مثبت ارتباط سیاسی بر تهور مالیاتی را کاهش دهند. این یافته‌ها نشان می‌دهد که سازوکارهای راهبری شرکتی می‌توانند بر ارتباط سیاسی غلبه کنند و نقش نظارتی و فعالی داشته باشند. یافته‌های پژوهش مخالف با نتایج پژوهش **عبدالوهاب و همکاران (۲۰۱۷)** است.

با توجه به نتایج آزمون فرضیه‌ها، می‌توان پیشنهادهای زیر را ارائه نمود:

به اداره امور مالیاتی و حسابرسان توصیه می‌شود که در ارتباط با شرکت‌های دارای رابطه سیاسی با دولت، رسیدگی‌های بیشتری را انجام دهند، زیرا با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، احتمال اینکه این شرکت‌ها در فعالیت‌های تهور مالیاتی شرکت کنند، بسیار زیاد است.

به سازمان بورس و اوراق بهادار توصیه می‌شود که مقرراتی وضع کند تا شرکت‌ها، ارتباط سیاسی خود را با دولت افشا کنند.

به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که به ارتباط سیاسی شرکت‌ها توجه کنند؛ زیرا این شرکت‌ها برای کاهش مالیات ممکن است که در فعالیت‌های تهور مالیاتی شرکت کنند؛

هرچند در کوتاه‌مدت این فعالیت‌ها منجر به کاهش خروج نقدینگی می‌شود، اما در بلندمدت با کشف آنها هزینه‌های سنگینی به شرکت بخصوص سهامداران اقلیت تحمیل می‌شود. زیرا فعالیت‌های تهور مالیاتی با هزینه‌های حاشیه‌ای از جمله جرایم مالیاتی و مجازات‌های تحمیلی از سوی سازمان مالیاتی، هزینه‌های پیاده‌سازی، اعتباری و سیاسی همراه است (عبدلی و همکاران، ۱۳۹۲). همچنین ورود ناآگاهانه شرکت‌ها از فعالیت‌های تهور مالیاتی به قلمرو فرار مالیاتی ممکن است که به کاهش اعتبار مدیران و حتی کاهش ارزش سهام شرکت‌ها منجر شود (چن و همکاران، ۲۰۱۰). علاوه بر این، اگر چه برقراری روابط سیاسی با دولت، مزیت‌هایی را برای شرکت به همراه می‌آورد، اما از سوی دیگر هزینه‌های نمایندگی را افزایش می‌دهد (خان و همکاران، ۲۰۱۶)، زیرا ممکن است که مدیران از ارتباطات سیاسی به عنوان ابزاری برای انتقال ثروت یا سود از شرکت به نفع خود استفاده کنند و این موضوع می‌تواند سبب تضييع حقوق سهامداران و کاهش ارزش شرکت شود (کیان^{۳۷} و همکاران، ۲۰۱۱).

با توجه به تأثیر منفی و معنادار سازوکارهای راهبری شرکتی بر تهور مالیاتی به سرمایه‌گذاران توصیه می‌شود که در انتخاب بین فرصت‌های سرمایه‌گذاری، به عوامل و سازوکارهای راهبری شرکتی نیز توجه کنند.

یادداشت‌ها

- | | |
|-------------------------|------------------------------|
| 1. Chen | 2. Tax Aggressiveness |
| 3. Abdul Wahab | 4. Riguen Koubaa and Jarboui |
| 5. Khan | 6. Aning Sejati |
| 7. Ariff and Hashim | 8. Halioui |
| 9. Lennox | 10. Liets |
| 11. Wang | 12. Adhikari |
| 13. Kim and Zhang | 14. Hassan |
| 15. Razali and Arshad | 16. Zhou |
| 17. Mulyadi and Anwar | 18. Lanis and Richardson |
| 19. Bushee | 20. Jennings |
| 21. Hawley and Williams | 22. Armstrong |
| 23. Embree and Crabtree | 24. Khurana and Moser |
| 25. Shen | 26. Ward |
| 27. Manzon and Plesko | 28. Fu |
| 29. Lin | 30. Watts and Zimmerman |

31. Kim and Limpaphayom
33. winsorize
35. Ball
37. Qian

32. Cai and Liu
34. Robust standard errors
36. Fama and Jensen

منابع

- ابراهیمی، سید کاظم؛ بهرامی نسب، علی؛ حسن زاده، مهدی. (۱۳۹۶). واکاوی کیفیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در پرتو مالکیت دولتی و ارتباطات سیاسی. مدیریت سازمان های دولتی، ۲۵(۲)، ۷۶-۶۱.
- اعتمادی، حسین؛ سپاسی، سحر؛ ساری، محمدعلی. (۱۳۹۵). چارچوب مفهومی طرح ریزی مالیات شرکتی. پژوهش حسابداری، ۱۶(۱)، ۸۰-۶۱.
- اعتمادی، حسین؛ سپاسی، سحر؛ ساری، محمدعلی. (۱۳۹۶). ارزیابی ریسک سیاست های کمینه سازی مالیات شرکت ها. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۴(۵۴)، ۱۷-۱.
- افلاطونی، عباس. (۱۳۹۶). اقتصادسنجی در پژوهش های مالی و حسابداری با نرم افزار ایویوز. تهران، انتشارات ترمه.
- آقایی، محمدعلی؛ انواری رستمی، علی اصغر؛ ساری، محمدعلی؛ سلمانی، یونس. (۱۳۹۴). بررسی رابطه ویژگی های حاکمیت شرکتی و طرح ریزی مالیات شرکتی. راهبرد مدیریت مالی، ۳(۲)، ۲۱-۱.
- باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه اصول راهبری شرکت ها و سود مشمول مالیات شرکت ها. پژوهش های حسابداری مالی، ۲(۳)، ۸۶-۶۵.
- بحری ثالث، جمال؛ بهنمون، یعقوب؛ مددی زاده، ابراهیم. (۱۳۹۳). ویژگی های هیئت مدیره و استراتژی مالیاتی جسورانه. حسابداری مدیریت، ۷(۲۲)، ۶۷-۵۳.
- بندریان، امیرعلی؛ واعظ، سیدعلی؛ مقصودی، فرامرز. (۱۳۹۵). تأثیر حسابداری محافظه کارانه بر رابطه بین مدیریت سود و گزارشگری مالیاتی متهورانه. پژوهش حسابداری، ۶(۴)، ۳۹-۲۳.
- بهارمقدم، مهدی؛ امینی نیا، میثم. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین تمرکز مالکیت و جسورانه بودن مالیات. پژوهش های حسابداری مالی، ۶(۴)، ۳۶-۲۳.
- پورحیدری، امید؛ سروستانی، امیر. (۱۳۹۱). بررسی تأثیر ویژگی های شرکت، نوع صنعت و مالکیت نهادی بر اختلاف مالیات ابرازی و قطعی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۰(۱۴)، ۷۸-۶۱.
- پورحیدری، امید؛ سروستانی، امیر. (۱۳۹۲). شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر مدیریت مالیات. دانش حسابداری، ۴(۱۲)، ۸۹-۱۱۰.
- حاجیها، زهره؛ قنواتی، الهام؛ بحرینی، مریم. (۱۳۹۶). بررسی ارتباط محدودیت مالی و راهبرد مالیاتی متهورانه. پژوهشنامه مالیات، ۲۵(۳۵)، ۱۲۶-۱۰۷.

- خلیفه سلطانی، احمد؛ نایب محسنی، شیدا؛ اسفندی، خدیجه. (۱۳۹۳). حاکمیت شرکتی و تقلب. ماهنامه بورس، (۱۱۱)، ۹-۱۱.
- خواجهی، شکراله؛ سروستانی، امیر. (۱۳۹۶). اجتناب مالیاتی و نظریه نمایندگی، شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، ۱۰(۳۴)، ۲۸-۱۵.
- خواجهی، شکراله؛ کیامهر، محمد. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۳(۲۶)، ۱۰۸-۸۷.
- خواجهی، شکراله؛ کیامهر، محمد. (۱۳۹۵). الگوسازی اجتناب مالیاتی با استفاده از اطلاعات حسابداری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری، ۷(۲۵)، ۱۰۰-۷۹.
- خواجهی، شکراله؛ ممتازیان، علیرضا؛ دهقانی سعیدی، علی اصغر. (۱۳۹۵). بررسی اثرگذاری قابلیت‌های مدیران بر اجتناب از پرداخت مالیات شرکت‌ها. دانش حسابداری مالی، ۳(۳)، ۴۵-۲۳.
- دیانتی دلمی، زهرا؛ شکراللهی، پریسا. (۱۳۹۴). بررسی تأثیر نظام راهبری شرکتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش و میزان نگهداشت وجه نقد. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۴(۳)، ۶۱-۳۹.
- دیدار، حمزه؛ منصورفر، غلامرضا؛ کفعمی، مهدی. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر شکاف مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۱(۴)، ۴۳۰-۴۰۹.
- زلفی، حسن؛ بیات، مرتضی؛ میرحسینی، ایرج؛ لاله مازین، مریم. (۱۳۹۷). بررسی تأثیر ارتباطات دولتی بر ارزش شرکت. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۰(۳۷)، ۷۲-۵۷.
- سیاسی، سحر؛ اعتمادی، حسین؛ بسحاق، محمدرضا. (۱۳۹۶). ارائه الگو رابطه شفافیت و اثربخشی هیئت‌مدیره بر سیاست تقلیل‌دهنده مالیاتی در توسعه سرمایه‌گذاری. دانش سرمایه‌گذاری، ۶(۲۱)، ۲۴۷-۲۳۳.
- عبدلی، محمدرضا؛ حق‌نیاز، حسن. (۱۳۹۴). ارزیابی تأثیر شفافیت شرکتی بر سیاست متهورانه مالیاتی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهشنامه مالیات، ۲۳(۲۶)، ۱۷۵-۱۶۵.
- عبدلی، محمدرضا؛ شورورزی، محمدرضا؛ میرزائی، سعیده. (۱۳۹۲). بررسی ارتباط بین تفاوت مالیات ابرازی و تشخیصی با شفافیت شرکتی. حسابداری مالی، ۵(۱۹)، ۹۰-۶۹.
- عرب‌صالحی، مهدی؛ هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۲(۱)، ۱۰۴-۸۵.
- کریمی، غلامرضا؛ شهابی، علیرضا. (۱۳۹۵). الگو سیاست مالیاتی با تأکید بر ارزش‌های فرهنگی. تحقیقات مالی، ۱۸(۳)، ۵۶۲-۵۴۱.

- کمالی منفرد، شیما؛ علی احمدی، سعید. (۱۳۹۶). تأثیر توانایی مدیریت بر اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت با استفاده از روش تحلیل پوششی داده‌ها. *دانش حسابداری*، ۸(۱)، ۱۵۴-۱۳۵.
- موسویان، سیده سمیه؛ فخاری، حسین. (۱۳۹۶). بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین ارتباط سیاسی هیئت مدیره و هزینه نمایندگی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. *سومین کنفرانس بین‌المللی مدیریت و مهندسی صنایع*، تهران، دانشگاه مقدس اردبیلی.
- نیکومرام، هاشم؛ بنی‌مهد، بهمن؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ کیانی، علی. (۱۳۹۲). اقتصاد مبتنی بر روابط، روابط سیاسی و کیفیت اقلام تعهدی. *دانش حسابداری*، ۱۳(۵۰)، ۱۳-۱.

References

- Abdoli, M.R., Haghneyaz, H. (2015). Evaluation of the corporate transparency effect on tax aggressiveness in the companies listed in Tehran Stock Exchange. *Tax Research*, 23(26), 165-175 [In Persian].
- Abdoli, M.R., Shorozi, M.A., Mirzaei, S. (2013). Investigate the relationship between express and discrimination tax difference with corporate transparency. *Financial Accounting*, 5(19), 69-90 [In Persian].
- Abdul Wahab, E.A., Ariff, A.M., Madah Marzuki, M., Mohd Sanusi, Z. (2017). Political connections, corporate governance, and tax aggressiveness in Malaysia. *Asian Review of Accounting*, 25(3), 424-451.
- Adhikari, A., Derashid, C., Zhang, H. (2006). Public policy, political connections, and effective tax rates: Longitudinal evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25(5), 574-595.
- Aflatooni, A. (2016). *Econometrics in accounting and finance using eviws*. Tehran, Termeh Publications [In Persian].
- Aghaei, M.A., Anvari Rostami, A.A., Sari, M.A., Salmani, Y. (2015). The investigation of the relationship between corporate governance and corporate tax planning. *Financial Management Strategy*, 3(2), 1-21 [In Persian].
- Aning Sejati, Y. (2009). Political connections and earnings quality: evidence from Malaysia. *Ph.D. Dissertation*, Oklahoma State University.
- Arabsalehi, M., Hashemi, M. (2015). The effect of managerial overconfidence on tax avoidance. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 22(1), 85-104 [In Persian].
- Ariff, A.M., Hashim, H.A. (2014). Governance and the value relevance of tax avoidance. *Malaysian Accounting Review*, 13(2), 87-108.
- Armstrong, C.S., Blouin, J.L., Jagolinzer, A.D., Larcker, D.F. (2015). Corporate governance, incentives and tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 60(1), 1-17.

- Babajani, J., Abdi, M. (2010). Relationship between corporate governance and enterprises taxable profit. *Journal of Financial Accounting Research*, 2(3), 65-86 [In Persian].
- Baharmoghadam, M., Amininia, M. (2014). An investigation of the relationship between ownership concentration and tax aggressiveness. *Journal of Financial Accounting Research*, 6(4), 23-36 [In Persian].
- Bahrysales, J., Behnamon, Y., madadyzadeh, E. (2014). Board of directors' characteristics and tax aggressiveness. *Management Accounting*, 7(22), 53-67 [In Persian].
- Ball, R., Jayaraman, S., Shivakumar, L. (2012). Audited financial reporting and voluntary disclosure as complements: a test of the confirmation hypothesis. *Journal of Accounting and Economics*, 53(2), 136-166.
- Bandarian, A.A., Vaez, S.A., Magsodi, F. (2017). The effect of accounting conservatism on relationship between earning management and tax aggressive reporting. *Journal of Accounting Research*, 6(4), 23-39 [In Persian].
- Bushee, B.J., Carter, M.E., Gerakos, J. (2013). Institutional investor preferences for corporate governance mechanisms. *Journal of Management Accounting Research*, 26(2), 123-149.
- Cai, H., Liu, Q. (2009). Competition and corporate tax avoidance: Evidence from Chinese industrial firms. *The Economic Journal*, 119(537), 764-795.
- Chen, S., Chen, X., Cheng, Q., Shevlin, T. (2010). Are family firms more tax aggressive than non-family firms? *Journal of Financial Economics*, 95(1), 41-61.
- dianati dilami, Z., shokrollahi, P. (2015). The effect of corporate governance structure on the relation between tax avoidance and corporate cash holdings level and value. *Empirical Research in Accounting*, 4(3), 39-61 [In Persian].
- Didar, H., Mansourfar, G.R., Kafami, M. (2015). The impact of corporate governance mechanisms on the tax gap of listed companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting and Auditing Review*, 21(4), 409-430 [In Persian].
- Ebrahimi, S.K., Bahraminasab, A., Hasanzadeh, M. (2017). The analysis of financial reporting quality and tax avoidance according to governmental ownership and political connections. *Journal of Management System*, 5(2), 61-76 [In Persian].
- Embree, J.L., Crabtree, A.D. (2012). The influence of institutional investment on tax aggressiveness. www.ssrn.com.
- Etemadi, H., Sepasi, S., Sari, M.A. (2016). A conceptual framework for corporate tax planning. *Journal of Accounting Research*, 6(1), 61-80 [In Persian].
- Etemadi, H., Sepasi, S., Sari, M.A. (2017). Risk assessment of the corporate tax policies. *Empirical Studies in Financial Accounting*, 14(54), 1-17 [In Persian].

- Fama, E.F., Jensen, M.C. (1983). Separation of ownership and control. *Journal of Law and Economics*, 26(12), 301-325.
- Fu, J., Shimamoto, D., Todo, Y. (2017). Can firms with political connections borrow more than those without? Evidence from firm-level data for Indonesia. *Journal of Asian Economics*, 52, 45-55.
- Hajiha, Z., Ghanavati, E., Bahreini, M. (2017). The examine of the relationship between financial constraints and aggressive tax strategy. *Tax Research*, 25(35), 107-126 [In Persian].
- Halioui, K., Neifar, S., Ben Abdelaziz, F. (2016). Corporate governance, CEO compensation and tax aggressiveness: Evidence from American firms listed on the NASDAQ 100. *Review of Accounting and Finance*, 15(4), 445-462.
- Hassan, T., Kabir Hassan, M., Mohamad, S., Chaw Min, C. (2012). Political patronage and firm performance: Further evidence from Malaysia. *Thunderbird International Business Review*, 54(3), 373-393.
- Hawley, J., Williams, A. (1997). The emergence of fiduciary capitalism. *Corporate Governance: An International Review*, 5(4), 206-213.
- Jennings, W.W. (2005). Further evidence on institutional ownership and corporate value. *Corporate Governance*, 11, 167-207
- Kamali Monfared, S., Ali Ahmadi, S. (2017). Effects of managerial ability on tax avoidance and market value, using data envelopment analysis method. *Journal of Accounting Knowledge*, 8(1), 135-154 [In Persian].
- Karami, G.R., Shahabi, A.R. (2016). Tax policy model considering cultural values. *Journal of Financial Research*, 18(3), 541-562 [In Persian].
- Khajavi, S., kiamehr, M. (2015). The relation study of auditing quality and tax avoidance in listed companies of Tehran Stock Exchange. *Tax Research*, 23(26), 87-108, [In Persian].
- Khajavi, S., Kiamehr, M. (2016). Modeling tax avoidance by accounting information: evidence from Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 7(25), 79-100 [In Persian].
- Khajavi, S., Momtazian, A.R., Dehghani Saadi, A.A. (2016). An investigate the impact of managers ability on the avoid paying taxes on companies listed in Tehran Stock Exchange. *Empirical Research of Financial Accounting*, 3(3), 23-45 [In Persian].
- Khajavi, S., Sarvestani, A. (2017). Tax avoidance and agency theory: evidence from Tehran Stock Exchange (TSE). *Management Accounting*, 10(34), 15-28 [In Persian].
- khalifesultani, A., Nayeb Mohseni, S., esfandi, Kh. (2014). Corporate governance and fraud. *Stock Exchange Monthly*, 111, 9-11 [In Persian].

- Khan, A., Mihrat, M., Mutakin, B. (2016). Corporate political connection, agency costs and audit quality. *International Journal of Accounting and Information Management*, 24(4), 357-375.
- Khurana, I.K., Moser, W.J. (2009). Institutional ownership and tax aggressiveness. *www.ssrn.com*.
- Khurana, I.K., Moser, W.J. (2012). Institutional shareholders' investment horizons and tax avoidance. *The Journal of the American Taxation Association*, 35(1), 111-134.
- Kim, C.F., Zhang, L. (2016). Corporate political connections and tax aggressiveness. *Contemporary Accounting Research*, 33(1), 78-114.
- Kim, K.A., Limpaphayom, P. (1998). Taxes and firm size in Pacific-Basin emerging economies. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 7(1), 47-68.
- Lanis, R., Richardson, G. (2011). The effect of board of director composition on corporate tax aggressiveness. *Journal of Accounting and Public Policy*, 30(1), 50-70.
- Lennox, C., Lisowsky, P., Pittman, J. (2013). Tax aggressiveness and accounting fraud. *Journal of Accounting Research*, 51(4), 1-40.
- Liets, G. (2013). Tax avoidance vs. tax aggressiveness: A Unifying Conceptual Framework Paper. *www.ssrn.com*.
- Lin, K.J., Karim, K.E., Carter, C. (2015). Why does China's stock market have highly synchronous stock price movements? An information supply perspective. *Advances in Accounting*, 31(1), 68-79.
- Manzon Jr, G.B., Plesko, G.A. (2001). The relation between financial and tax reporting measures of income. *Tax Law Review*, 55(2), 175-214.
- Mousavian, S.S., Fakhari, H. (2017). The effect of audit quality on the relationship between political relationship of the board of directors and the cost of representation in the companies accepted in the Tehran Stock Exchange. *Third International Management and Engineering Conference*, Tehran [In Persian].
- Mulyadi, M.S., Anwar, Y. (2015). Corporate governance, earnings management and tax management. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 177, 363-366.
- Nicomaram, H., Bani Mehdad, B., Rahnama roodposhti, F., Kiaie, A. (2013). Relationship-based economics, political connections and accrual quality. *Audit Science*, 13(50), 1-13 [In Persian].
- Petersen, M.A. (2009). Estimating standard errors in finance panel data sets: comparing approaches. *The Review of Financial Studies*, 22(1), 435-480.
- Pourheidari, O., Sarvestani, A. (2012). Investigating the effect of firm characteristics, industry type and institutional ownership on the difference between declared and definite tax of firms listed in Tehran Stock Exchange. *Tax Research*, 20(14), 61-78 [In Persian].

- Pourheidari, O., Sarvestani, A. (2013). Identifying and explaining the effective factors on the tax management. *Journal of Accounting Knowledge*, 4(12), 89-110 [In Persian].
- Qian, M., Pan, H., Yeung, B. (2011). Expropriation of minority shareholders in politically connected firms. *Finance and Corporate Governance Conference*, 1-36.
- Razali, W.A.A.W.M., Arshad, R. (2014). Disclosure of corporate governance structure and the likelihood of fraudulent financial reporting. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 145, 243-253.
- Riguen Koubaa, R., Jarboui, A. (2017). Direct and mediated associations among earnings quality, book-tax differences and the audit quality. *Journal of Financial Reporting and Accounting*, 15(3), 1-40.
- Sepasi, S., etemadi, H., Boshagh, M.R. (2016). Model of the relationship between transparency and effectiveness of the Board on tax aggressiveness on investment development. *Journal of Investment Knowledge*, 6(21), 233-247 [In Persian].
- Shen, C.H., Lin, C.Y., Wang, Y.C. (2015). Do strong corporate governance firms still require political connection, and vice versa? *International Review of Economics & Finance*, 39, 107-120.
- Wang, F., Xu, L., Zhang, J., Shu, W. (2018). Political connections, internal control and firm value: Evidence from China's anti-corruption campaign. *Journal of Business Research*, 86, 53-67.
- Ward, A.J., Brown, J.A., Rodriguez, D. (2009). Governance bundles, firm performance, and the substitutability and complementarity of governance mechanisms. *Corporate Governance: An International Review*, 17(5), 646-660.
- Watts, R.L., Zimmerman, J.L. (1986). *Positive Accounting Theory*. Prentice- Hall, New Jersey.
- Zalaghi, H., Bayat, M., Mirhossani, I., Lalehmazhin, M. (2018). Survey the effect of governmental affiliation on firm's value. *Accounting Research*, 10(37), 57-72 [In Persian].
- Zhou, Y. (2011). Ownership structure, board characteristics and tax aggressiveness. *Ph.D. Dessertation*, University Hong Kong.